

منشور جدائی دین و دولت در ایران

... و از آنجا که آماج آزادیخواهی مردم ایران برچیدن بساط ولایت فقیه و استبداد مذهبی در هم اشکال آن در ایران است؛

پیشنهاد میشود که ج.ج.د.ل.ا. پیشقدم شوند و با دعوت از هم نیروهای جمهوریخواه، که جدائی دین و دولت را شرط برقراری و پایداری دموکراسی و کثرت گرائی در ایران آینده میدانند، از راه همفکری با یکدیگر و گشودن باب بحث و گفت و شنود در این باره، دست به تدوین منشور جدائی دین و دولت در ایران بزنند...

منشور جدائی دین و دولت در ایران

از آنجا که تنش دیرپا میان قدرت سیاسی و دستگاه دینی در ایران از جمله معضلات عمده اجتماعی و سیاسی آیند کشور به شمار می رود؛

از آنجا که سیطره بیش از سه دهه استبداد دینی، ابعاد تازه و بیسابقه ای بر این تنش تاریخی افزوده است؛

از آنجا که گفتار ایده نو لوژیک مسلط و انحصارطلب، بر تبعیض مذهبی و جنسی استوار است و می کوشد به هر وسیله ای این تبعیض را در هم عرصه های زندگی اجتماعی نهادینه کند؛

از آنجا که تجربه مصیبت بار حکومت مذهبی پس از انقلاب و بن بست های آشکار آن در ادار کشور، ناسازگاری ذاتی آنرا با اید جمهوری و دموکراسی بیش از پیش عیان ساخته است؛

و نیز با توجه به تحولات فکری که شکست این تجربه در میان اندیشمندان دینی به وجود آورده است و زمین مناظره ای تاریخی میان دین باوران و نیروهای لائیک و سکولار را فراهم آورده است؛

و از آنجا که آماج آزادیخواهی مردم ایران برچیدن بساط ولایت فقیه و استبداد مذهبی در هم اشکال آن در ایران است؛

پیشنهاد می شود که ج.ج.د.ل.ا. پیشقدم شود و با دعوت از هم نیروهای جمهوریخواه، که جدائی دین و دولت را شرط برقراری و

پایداری دموکراسی و کثرت گرائی در ایران آینده می دانند، از راه همفکری با یکدیگر و گشودن باب بحث و گفت و شنود در این باره، دست به تدوین منشور جدائی دین و دولت در ایران بزنند.

این منشور از یکسو جایگاه تأملات و هم اندیشی نیروها و صاحب نظران لائیک و سکولار است در باره آمیزش دین و قدرت سیاسی در ایران در عرصه نظری و ضرورت واگشائی این پرسش در پی چیرگی اصحاب دین بر ایران و از سوی دیگر پیمانی است میان آزادیخواهان برای پی ریختن فردائی دیگر، فردای همزیستی دگرانديشان و دگر باوران باهم.

شهرام قنبری

Â

بیانیه گردهمآئی سراسری سوم جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لا ئیک ایران

بیانیه سیاسی

20-21 سپتامبر 2008 30-31 شهریور 1387

سومین گردهمآئی سراسری جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران که در روزهای 20 و 21 سپتامبر 2008 (30 و 31 شهریور 1387) در شهر بروکسل برگزار گردید در راستا و تداوم سند سیاسی مصوب نخستین گردهمآئی سراسری پاریس، 3 تا 5 سپتامبر 2004 برابر 13 تا 15 شهریور 1383، و قطعنامه سیاسی مصوب دومین گردهمآئی سراسری در هانور، 24 تا 26 فوریه 2006 برابر 5 تا 7 اسفند 1385، اعلام میدارد :

1- رژیم جمهوری اسلامی ایران اصلاح ناپذیر است. نظام خودکامه دینی حاکم بر ایران در ذات خود و از بنیاد تمامیت خواه، انحصارگو و تبعیض گر است. اختناق و سرکوب، زبان طبیعی و ابزار اصلی دوام حیات او در صحنه سیاسی است.

هرگونه تحول بنیادین به سوی آزادی و عدالت در کشور ما در گرو برجیده شدن تمامیت نظام جمهوری اسلامی است. اساس و جوهر این تحول، گذار به دموکراسی و نیروی اصلی آن جنبش‌های مقاومت مردم و نافرمانی مدنی است

رژیم سیاسی مطلوب ما جمهوری است. ما در راه برقراری آن، که به باور ما مناسب‌ترین نظام برای تحقق دموکراسی است، تلاش و مبارزه می‌کنیم. نظامی برآمده از رأی آزاد و همگانی شهروندان و متجلی در مجلس منتخب مردم. ما خواهان جدائی دین و مسلک (ایده ئولوژی) از دولت و قدرت سیاسی، برقراری عدالت اجتماعی و آزادیهای بنیادین، رعایت حقوق بشر و پاسداری از استقلال و یکپارچگی کشور هستیم.

نوع نظام آینده و قانون اساسی آنرا مجلس موسسان منتخب همه مردم تعیین کرده، در شرایط آزادی کامل به همه پرسى خواهد گذاشت

2- در پی دلسردی و یاس مردم از عملکرد هشت ساله اصلاح طلبان و به مدد بسیج پادگانی بدنه نظامی رژیم و ترفندهای شورای نگهبان در رأی گیری و رأی سازی انتخابات دوره نهم، احمدی نژاد به مقام ریاست جمهوری اسلامی دست یافت. اصلاح طلبان که پیش از آن بر متن یک جنبش فراگیر اجتماعی علیه اختناق و انحصارطلبی به قدرت رسیده بودند، نتوانستند به نیازها و انتظارات مردم و وعده های خود جامه عمل بپوشند. همه جا در برابر احکام ولی فقیه و تجاوز به آزادیها و حقوق اساسی مردم واپس نشستند و در لحظات حساس مصالح نظام را به منافع ملّت ترجیح دادند.

3- دولت و مجلس اسلامی جدید با حضور چشمگیر و بیسابقه عناصر نظامی و امنیتی، نمودار دیگری از تحولی تازه در رژیم ولایت فقیه و وزن و نقش فزاینده نظامیان در عرصه سیاست و تصمیم گیریهای کلان آینده است. دولت نهم با چنین ترکیبی از آغاز زمامداری، دشمنی خود را با دست آوردها و نمادهای جامعه مدنی آشکار کرد و به برجیدن و سرکوبی آنها پرداخت؛ خشونت و ارباب و اتهام و زندان را به حربه اصلی خویش برای فرو نشاندن خواستهای صنفی، فرهنگی و اجتماعی کارگران، آموزگاران و حقوق بگیران، زنان، جوانان، دانشجویان، اهل قلم و کوشندگان پیشبرد آزادی و حقوق بشر بدل کرد و با تحمیل قهرآمیز ظواهر شرعی به هنجارها و عرصه های زندگی اجتماعی مردم، بیهوده تلاش کرده و می کند تا شکست ایدئولوژیک نزدیک به سی سال حکومت یکه تاز مذهبی را که به عیان در چهره نسل برآمده از انقلاب، در مقاومت زنان و جوانان و در جوشش های فرهنگی می بیند بپوشاند و جبران کند.

4- آزادی، وحشت بزرگ نسل تازه دینمداران به قدرت رسیده است. با وجود

خشونت و قهر گسترده و فزاینده کارگزاران دولت کنونی در برابر جنبشهای شهروندی، شاهد رشد و بلوغ مقاومت مدنی هستیم.

زنان که مظهر تبعیض جنسی در عمق اندیشه و ذهنیت تاریک اندیشان مذهبی هستند و در همه عرصه های زندگی اجتماعی، خانوادگی و خصوصی از رفتارها، سنت ها و قوانین ننگین و تبعیض آمیز در رنجند، عمق فاجعه استبداد اسلامی را بر ملا میکنند. آنان در این سالها با خلاقیت تحسین انگیزی در برابر فشارها و تبعیض های روزافزون حکومت مذهبی مقاومت کرده اند. کارزار "مقاومت مدنی" از جمله نمونه های بارز این کوشش جمعی و مشترک است که با تشخیص هوشیارانه نیازها و ضرورت های کنونی و ابداع روشهای نو در بسیج و سازماندهی ظرفیت ها توانست به جنبشی فراگیر بدل شود.

جنبش دانشجویی با وجود فراز و نشیب های درونی گاه دشوار، همواره در این سالها سنگر مقاومتی بوده است در برابر استبداد دینی و سلطه جوئی انحصارطلبان. گرچه خصومت حکومت اسلامی با دانشگاه و دانشگاهیان پیشینه ای به قدمت جمهوری اسلامی دارد، اما سرکوب و فشار و آزار مداوم در این دوره نسبت به دانشجویان و استادان ابعادی تازه یافته است. از ویژگی های جنبش دانشجویی در این دوره شکلگیری هویت های مستقل و اعلام علنی گرایشهای سیاسی نوین پاره ای از تشکلهای دانشجویی است؛ دریچه های تازه ای که میتواند باب گفت و شنوهای سازنده ای در میان نسل جوان و آگاه امروز ایران بگشاید.

دولت احمدی نژاد که با شعار فریبنده عدالت خواهی به میدان رقابتهای انتخاباتی آمده بود، سخت ترین برخوردها و رفتارها را نسبت به کارگران و در خواستهای برحق آنان در پیش گرفت. کارگران که زیر بار تورم و گرانی روزافزون به جان آمده اند، خواهان رفع ناامنی شغلی، پرداخت به موقع حقوق و دستمزد خویش، تشکیل سندیکاهای مستقل و تغییر قوانین ناعادلانه کار هستند.

مبارزه برحق اقوام تحت ستم ایرانی برای رفع تبعیض ها و نابرابری ها و در راه احراز حقوق دموکراتیک، آزادی های فرهنگی و توزیع عادلانه ثروت های ملی همه جا با یورش بیرحمانه نظامیان و ماموران امنیتی رژیم روبرو بوده است. ایران سرزمین تاریخی و مشترک اقوام گوناگون است. همه ایرانیان باید بتوانند از آزادی کامل در راه پاسداری و شکوفائی فرهنگ و زبان مادری خود بهره- مند باشند و از حق تصمیم گیری و مشارکت در اداره امور محلی و منطقه ای برخوردار گردند. گرچه سیاست نظامیگری و سرکوب ها نتوانسته از تداوم این مبارزات جلوگیری کند ولی زمینه ای برای رشد گرایشهای افراطی قومی پدید آورده است. تمایلات افراطی که از سوی

کارگزاران برخی دولت های همجوار و پاره ای قدرت های جهانی نیز به آنها دامن زده میشود، مبارزه متحد مردم برای دموکراسی و آزادی را به بیراهه میکشاند و میتواند در آینده یکپارچگی کشور را به مخاطره اندازد. به باور ما حفظ یکپارچگی ایران در نظامی دموکراتیک در گرو رفع ستم قومی است.

جمهوری اسلامی هیچگاه برآستی حضور و وجود ادیان و مذاهب دیگر را تاب نیاورده است. حتی اهل کتاب و سُنَدِیان و فرقه های درون اسلام و اهل تصوف نیز از بدرفتاری ها و خشونت های دستگاه دینی حاکم در امان نبوده اند. دشمنی دیرین روحانیت شیعه و مسلمانان متعصب با بهائیان بار دیگر زندگی و جان شماری از آنان را به مخاطره انداخته است.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک خود را یار و همراه جنبش های مقاومت و اعتراض مدنی و برابری خواهی در درون کشور میدانند.

5- اقتصاد نابسامان ایران بیش از پیش وابسته به درآمد نفت و دچار تورمی بیسابقه است. شمار مردمی که به طور روزمره گرفتار نا امنی شغلی، بیکاری و فقر هستند فزونی گرفته و شکاف میان فقر و ثروت ژرفتر از گذشته شده است. دولت نهم، با وجود درآمد سرشار و نامنتظره نفت، با پیش گرفتن سیاست های اقتصادی فاجعه بار، ظرفیت ها و ساختارهای تولیدی کشور را به محاق تعطیل و ویرانی کشانده است. با برجیدن سازمانها و ارگانهای نظارت بر اقتصاد، برداشت های بی حساب از ذخایر ارزی و تزریق آن به اقتصاد کشور به تورم و گرانی و واردات سیل آسای کالاهای مصرفی دامن زده و بازار دلالی و رباخواری را بیش از گذشته رونق بخشیده است.

شاهرگ های حیاتی و پرسود اقتصادی و منابع طبیعی کشور همچنان در دست شبکه های خویشاوندی سرکردگان حاکمیت، کارگزاران اطلاعاتی و سرداران سپاه پاسداران و بنیاد مستضعفان و موسسات پوششی و اقتصادی وابسته به آنان مانده است : سفره گشاده ای میان حلقه محارم و پنهان از چشم مردم.

6- جمهوری اسلامی در بیرون از مرزهای ایران تشنج آفرین، مداخله گر و جنگ افروز است. تلاش مخفیانه رژیم برای دستیابی به سلاح هسته ای و اصرار وی به غنی سازی اورانیوم، بحران وخیمی در روابط بین-المللی ایران پدید آورده و افزون بر گسترش تحریم های اقتصادی، کشور را به لبه پرتگاه یک تهاجم نظامی کشانده است که پیامدهای آن میتواند برای مردم ایران فاجعه بار باشد. دست یافتن چنین نظامی به سلاح هسته ای مخاطرات عظیم و هولناک در پی خواهد داشت و از جمله به مسابقه تسلیح اتمی در منطقه می انجامد. گسترش سلاحهای هسته ای تهدیدی دائمی برای صلح جهان خواهد بود. ما برای

تحکیم صلح و جهانی عاری از نظامیگری و به ویژه عاری از سلاحهای هسته ای مبارزه میکنیم. از همین رو از پیمان منع گسترش سلاحهای هسته ای و لزوم همکاری کامل ایران با آژانس بین المللی انرژی اتمی حمایت میکنیم و افزون بر آن خواهان خلع سلاح هسته ای کشورهای خاورمیانه هستیم. رژیم اسلامی از آغاز افشای فعالیت های پنهان اتمی و کشف اسناد گوناگون آن، افکار عمومی داخلی و جهانی را بر سر دو راهی سوخت هسته ای یا سلاح هسته ای به بازی گرفته است. تولید انرژی هسته ای در کشوری چون ایران که دارای ذخایر عظیم و غنی انرژی فسیلی و صاحب اقلیمی مساعد از بابت انرژی های جایگزین و باز تولیدشونده است به هیچ روی ضرورتی ندارد. ما خواستار توقف غنی سازی اورانیوم در ایران که از انگیزه های اصلی بحران کنونی است میباشیم و نیز با هرگونه تهاجم نظامی خارجی به کشور خود مخالف هستیم. با تحریم های گسترده اقتصادی که آثار زیانبار آن به زندگی و معیشت مردم لطمه میزند موافق نیستیم و فقط از آندسته از تحریم های تسلیحاتی و دیپلماتیک پشتیبانی میکنیم که از تصویب سازمان ملل بگذرند و سیاست های نظامیگرانه رژیم را هدف قرار دهند و از دستیابی آن به سلاح هسته ای جلوگیری کنند، مانند: فروش ابزار و تجهیزات نظامی و انتقال فن آوری هسته ای، مسدود کردن حساب های سران رژیم در خارج. ما همچنین خواهان افزایش فشار سیاسی بر رژیم از جانب دولتها به ویژه در زمینه رعایت همه جانبه حقوق بشر در ایران و تعقیب قضائی سران نظام و آمران و عاملان کشتار و جنایت در جمهوری اسلامی از جانب مجامع بین المللی صالح هستیم.

7- رژیم ولایت فقیه در ماههای آینده تدارک دور دیگری از بسیج توده ای و رأی سازی برای مشروعیت بخشیدن به خود در پیش دارد. هیچ نشانه تغییری در "نظام انتخاباتی" ویژه جمهوری اسلامی با شورای نگهبان و بدنه نظامی گوش به فرمانش به چشم نمیخورد.

8- خاورمیانه با جنگهای خانگی و حضور اشغالگران نظامی از کانونهای بحران و تنش جهان است. جمهوری اسلامی با یاری رساندن به تارک اندیش ترین و افراطی ترین گروه های اسلامی، با صدور اسلام سیاسی و یهودستیزی، از موانع صلح و از حامیان ترور و خشونت در منطقه میباشد. حل عادلانه مساله فلسطین ضامن صلح پایدار در خاورمیانه است. رعایت و اجرای قطعنامه ها و مصوبات سازمان ملل متحد و شورای امنیت در این زمینه گامی ضروری برای گشودن چشم انداز صلح است.

9- جهان فردا از آغاز دوران دیگری با کانونهای تصمیم گیری تازه و از برآمدن قدرتهای جدیدی خبر میدهد که آرایش کنونی ائتلافها و کشاکشهای اقتصادی و سیاسی را بهم خواهد ریخت. اما جهانی که اکنون در آن زندگی

میکنیم با بحرانهای گوناگونی دست به گریبان است. گرسنگی، این بزرگترین و خاموشترین سلاح کشتار جمعی بدل به سرنوشت محتوم بخشی از ساکنان زمین شده است. گرسنگی نه تقدیر که محصول نظم موجود جهان است، نظمی که بر بیعدالتی، خشونت ساختاری و ویرانگری محیط زیست استوار است. ما خواستار جهانی عاری از فقر، خشونت و جنگ، بیعدالتی و تخریب و آلودگی محیط زیست هستیم.

10- کارنامه جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی نژاد را میتوان در سه محور اصلی خلاصه کرد: تشدید بحران در روابط بین المللی و انزوای ایران در صحنه جهانی، افزایش فقر و فشار اقتصادی بر مردم و شدت گرفتن سرکوب سیاسی و اجتماعی.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک برآنست که برای مقابله با سیاست های جمهوری اسلامی در هر سه زمینه و ایستادگی در برابر سیاست های جنگ طلبانه دولت بوش و نومحافظه کاران در آمریکا، که گاه نقشه تجزیه ایران را در سر میپرورند، نیازمند سازماندهی کارزاری گسترده در دفاع از جنبش های اجتماعی و آزادی های سیاسی و مدنی در کشور، مبارزه برای تأمین عدالت اجتماعی و علیه سیاست های جنگ افروزانه از هر دو سو در راستای صلح و جلب حمایت بین المللی در دفاع از حقوق بشر در ایران هستیم. برپائی چنین کارزاری در گرو همیاری هر چه گسترده تر کلیه نیروهای طرفدار صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی و همبستگی عمیق تر جنبش های اعتراضی و مطالباتی مبارزان داخل و خارج کشور با یکدیگر است. به باور ما خواست گذار به دموکراسی در ایران نه با امید بستن به تحول نظام از درون و نه با چشم داشتن به حمله نظامی از بیرون، بلکه از راه این رویکرد سوم است که تحقق مییابد. ما برای هموار کردن این راه میکوشیم.

قطعنامه دومین گردهمایی سراسری جمهوریخواهان دمکرات ولاییک ایران درباره بحران هسته ای

قطعنامه دومین گردهمایی سراسری جمهوریخواهان دمکرات ولاییک ایران درباره بحران هسته ای

پس از تشکیل کابینه نظامی امنیتی احمدی نژاد، سیاستهای ماجراجویانه و بحرانزای رژیم جمهوری اسلامی در عرصه بین المللی و تشدید فشار و اختناق سیاسی و فرهنگی در زمینه داخلی، وضعیت بس خطیر و نگران کننده ای را برای آینده ایران پدید آورده است.

مساله انرژی هسته ای و غنی سازی اورانیوم، که در دوره خاتمی نیز در کانون بحران در روابط بین المللی رژیم جمهوری اسلامی قرار داشت، در نتیجه سیاست های دولت جدید ابعاد تازه ای پیدا کرد.

از سرگیری غنی سازی اورانیوم، تلاش پنهانی برای دستیابی به سلاح اتمی، توأم با سیاست تنش زای جمهوری اسلامی، ایران را به تقابل خطرناکی با جامعه بین المللی کشانده است که پیامدهای آن میتواند برای مردم ایران فاجعه بار باشد.

ما جمهوریخواهان دمکرات و لاییک، سیاست هسته ای بحرانزای رژیم جمهوری اسلامی را محکوم میکنیم و اعلام میداریم:

۱- گسترش سلاحهای هسته ای صلح جهان را به مخاطره می افکند. ما برای تحکیم صلح و جهانی عاری از نظامی گری و بویژه عاری از سلاحهای هسته ای مبارزه می کنیم. در این راستا ما از پیوستن به پیمان منع گسترش سلاحهای هسته ای و همکاری کامل با آژانس بین المللی انرژی اتمی وابسته به سازمان ملل حمایت می کنیم. و افزون بر آن خواهان خلع سلاح هسته ای کشورهای خاورمیانه میباشیم.

۲- تولید انرژی هسته ای برای ایران که به لحاظ انرژی فسیلی و انرژی باز تولید شونده در طبیعت غنی میباشد، به هیچ وجه ضروری نیست.

سیاست های غیرشفاف و تلاش پنهانی رژیم جمهوری اسلامی برای دستیابی به سلاح اتمی ایران را به تقابل با جامعه جهانی کشانده و بحران خطرناکی را بوجود آورده است. غنی سازی اورانیوم که از علل اصلی این بحران میباشد، باید متوقف شود.

۳- تولید و استفاده از انرژی هسته ای صرف نظر از هزینه های عظیم و به صرفه نبودن آن از نظر اقتصادی برای مردم ایران، لطمات جبران ناپذیری برای محیط زیست بدنبال دارد. از آنجاییکه رژیم جمهوری اسلامی ایران در چرخه غنی سازی اورانیوم قادر به حفظ سلامت محیط زیست و جان مردم در برابر خطرات ناشی و از آن جمله تشعشعات رادیواکتیو، نمیشود. ورود به این چرخه، زندگی مردم و نسلهای آینده را به خطر می اندازد.

۴- ما مخالف دخالت و حمله نظامی احتمالی به ایران حتی در صورت تایید سازمان ملل و سیاست بدیل سازی قدرت های بزرگ میباشیم و حق مردم ایران میدانیم که سرنوشت خود را خود تعیین نماید.

قطعنامه دومین گردهمایی سراسری جمهوریخواهان دمکرات ولایت ایران

قطعنامه دومین گردهمایی سراسری جمهوریخواهان دمکرات ولایت ایران

(هائوفرا اسفند ماه ۱۳۸۴)

درباره سرکوب و دستگیری کارگران و کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

ما شرکت کنندگان در دومین گردهمایی جمهوریخواهان دمکرات و ولایت ایران ضمن محکوم کردن سرکوب و دستگیری کارگران و کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی و تجاوز نیروهای انتظامی و امنیتی حکومت ضد مردمی جمهوری اسلامی به حریم زندگی و خانواده کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی و ضرب و شتم و آزار زنان و کودکان بی گناه آنان خواهان حقوق مسلم سندیکایی و آزادیهای کارگری زیر میباشیم:

۱- حق تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری و آزادی فعالیت آنها

۲- رفع هر گونه ممانعت از کارگران در استفاده از حقوق مسلم خود و پذیرش قراردادهای دسته جمعی

۳- آزادی بی قید و شرط فعالان سندیکای کارگران و کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی از جمله دبیر سندیکا آقای منصور اسانلو و بازگرداندن همه کارگران آزاد شده به کار و تامین خسارت ها و حقوق از دست رفته آنان.

قطعنامه دومین گردهمایی سراسری

جمهوریخواهان دمکرات ولایت

اعمال خشونت خانگی هرگز امری خصوصی محسوب نمیشود

قطعنامه دومین گردهمایی سراسری جمهوریخواهان دمکرات ولایت

مبارزه با جمهوری اسلامی تنها مبارزه با افرادی که بر مسند قدرت تکیه کرده اند و حامیان ایشان نیست. یکی از وجوه اصلی این مبارزه، مبارزه بر علیه فرهنگ و سنت هایی است که هر روزه به وسیله حکومت گران در رسانه ها و در کل جامعه تبلیغ و ترویج میشود. آنها کوشش میکنند که سنت های کهن و قرون وسطایی را در میان مردم رواج داده و ماندگار کنند تا بر چنین ویرانه ی فرهنگی حیات خود را تداوم بخشند.

ناباوری به برابر حقوقی جنسیتی و پایمال کردن حقوق انسانی زنان در حوزه های خصوصی (خانواده) و عمومی (جامعه) یکی از نموده های مشخص این فرهنگ عقب مانده است.

عدالت خواهی و برابری طلبی نمیتواند و نباید تنها به صورت صوری و در حد شعار باقی بماند و باید آن را در روابط روزمره مان و در همه عرصه های زندگی چه خصوصی و چه عمومی نهادینه کنیم.

اعمال خشونت به همسر و فرزندان در میان آزادیخواهان در عمل ناقص اصولی است که ما برای آن مبارزه میکنیم. این مسئله نباید امری خصوصی شمرده شود و ما آزادیخواهان نباید در مورد آن سکوت کنیم. این رویه ی دیگر همان سکه ی قدرتمداران در ایران است که مسئله داخلی ایران از جمله سرکوبگری شهروندان را امری خصوصی معرفی میکند و از قبول دخالت سازمانهای جهانی و مدافعانی حقوق بشر سر باز میزند.

ما جمهوریخواهان دمکرات و ولایت بر علیه هر گونه خشونت و تجاوز به حقوق دیگران ایستادگی میکنیم.

ما خشونت خانگی و اعمال و تحمل آن را محکوم میکنیم.

سند سیاسی گردهمایی سراسری اول

سند سیاسی مصوب گردهمایی سراسری اول

جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران

۱۳ - ۱۵ شهریور ۱۳۸۳ (۳ - ۵ سپتامبر ۲۰۰۴)

جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، در گردهمایی سراسری اول، با حضور نمایندگان و مسئولان از سراسر کشور، در تهران، در روزهای ۱۳ تا ۱۵ شهریور ۱۳۸۳ (۳ تا ۵ سپتامبر ۲۰۰۴)، با حضور آقایان: ...

جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، در گردهمایی سراسری اول، با حضور نمایندگان و مسئولان از سراسر کشور، در تهران، در روزهای ۱۳ تا ۱۵ شهریور ۱۳۸۳ (۳ تا ۵ سپتامبر ۲۰۰۴)، با حضور آقایان: ...

جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، در گردهمایی سراسری اول، با حضور نمایندگان و مسئولان از سراسر کشور، در تهران، در روزهای ۱۳ تا ۱۵ شهریور ۱۳۸۳ (۳ تا ۵ سپتامبر ۲۰۰۴)، با حضور آقایان: ...

جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، در گردهمایی سراسری اول، با حضور نمایندگان و مسئولان از سراسر کشور، در تهران، در روزهای ۱۳ تا ۱۵ شهریور ۱۳۸۳ (۳ تا ۵ سپتامبر ۲۰۰۴)، با حضور آقایان: ...

جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، در گردهمایی سراسری اول، با حضور نمایندگان و مسئولان از سراسر کشور، در تهران، در روزهای ۱۳ تا ۱۵ شهریور ۱۳۸۳ (۳ تا ۵ سپتامبر ۲۰۰۴)، با حضور آقایان: ...

.....
.....
..... (**)
..... (***)
.....
.....

.....
.....
.....

الف. وجوه مشترك:

در کشور ما ایران، تنها با برچیدن جمهوری اسلامی و مبارزه برای استقرار يك جمهوری مبتنی بر انتخابات آزاد، همگانی با رأی مخفی برابر و مستقیم همه شهروندان، راه گذار به جمهوری، دموکراسی و تحقق آزادیها و حقوق مصرح در زیر هموار میشود:

- دفاع از استقلال کشور و حق حاکمیت مردم ایران و مخالفت با هرگونه مداخله خارجی در حق حاکمیت مردم و در تعیین سرنوشت کشور.

- پایبندی به اصل بنیادین آزادیهای فردی (از جمله آزادی پوشش).

- تعهد به حقوق و آزادیهای مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر [دسامبر ۱۹۴۸ - آذر ۱۳۲۷] و در میثاقهای پیوست آن [میثاق بینالمللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دسامبر ۱۹۶۶ - آذر ۱۳۴۵ و میثاق بینالمللی حقوق مدنی و سیاسی، دسامبر ۱۹۶۶ - آذر ۱۳۴۵]

تأمین آزادی ادیان، اعتقادات، وجدان، اندیشه، بیان، قلم، سندیکا، تشکل، اجتماعات، تظاهرات و اعتصاب.

- برابری حقوقی تمامی افراد جامعه مستقل از جنسیت، زبان، قومیت، اعتقاد، مسلک و شیوه زندگی.

- لغو مجازات اعدام و لغو هرگونه شکنجه و مجازات مغایر با شئون و حیثیت انسانی.

- جدایی دولت از دین و مسلک (ایدئولوژی). نبود دین رسمی.

- لغو هرگونه تبعیض جنسی و پیوستن به کنوانسیون بین‌المللی رفع کلیه اشکال تبعیض نسبت به زنان (۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ - ۲۸ آذر ۱۳۵۸).

- ایجاد امکانات برای دستیابی به برابری زنان و مردان در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی از جمله در نهادهای سیاسی، اجرایی و قانونگذاری به شیوه‌های گوناگون خاصه سهمیه‌بندی.

- تأمین حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بنیادین که شرط لازم شهروندی برابر است (امنیت، معاش، مسکن، بهداشت، آموزش و کار). تحقق این حقوق منوط است به ایجاد شرایط لازم برای بهره‌برداری برابر تمام شهروندان از امکانات مادی و معنوی کشور.

- سازمانیابی قدرت سیاسی و دستگاه اداری با رعایت اصل تمرکززدائی و تکیه بر توسعه دموکراسی محلی. در هر محل و منطقه، تصمیم‌گیری در امور محلی و منطقه‌ای می‌بایست به نهادهای منتخب ساکنان (انجمنها، شوراها، و...) سپرده شود.

راهبردهای سیاسی:

۱- خواست ما این است که این نظام بیدادگر به شیوه‌ی مسالمت‌آمیز برچیده شود؛ هرچند که کارنامه‌ی خشونت‌بار آن از وجود چنین ظرفیتی حکایت نمی‌کند. ما از شکل‌های گوناگون جنبش‌های اعتراضی مردم علیه بیدادگری و ستم حمایت می‌کنیم و برین باوریم که در نهایت، شکل‌گذار را قدرت حاکم به جنبش مردم تحمیل می‌کند. قیام علیه جباریت حق مردم است.

۲- فراخواندن مجلس مؤسسان را لازمی گذار دموکراتیک به نظام جمهوری جانشین می‌دانیم. مجلس مؤسسان منتخب همه‌ی مردم است و بر مبنای انتخابات آزاد و با رأی مخفی و همگانی و در شرایط آزادی کامل مطبوعات، رسانه‌های گروهی، احزاب و سازمان‌های سیاسی تشکیل می‌شود. مجلس مؤسسان نوع نظام جمهوری آینده را تعیین می‌کند و قانون اساسی آن را تدوین می‌کند و به همه‌پرسی عمومی می‌گذارد.

وجوه افتراق:

با توجه به اینکه کلیه حاضران بر نکات زیر توافق دارند که ایران کشوری است با قومیت‌های مختلف که همزیستی آنها در طی تاریخ همواره از تبعیضات و نابرابریها و ستمگریهای گوناگون آسیب دیده است؛ و با توجه به اینکه از میان برداشتن نابرابریها و تبعیضات از لوازم حیاتی شکلگیری دموکراسی در ایران است و با اذعان به اینکه وابستگی به يك قومیت معین نباید به هیچ وجه مبنای امتیاز و یا موجب محرومیت در هیچ حوزه‌ای از واقعیت اجتماعی باشد، همه ایرانیان باید به زبان مادری خود سخن بگویند، بنویسند و بخوانند و آموزش ببینند و همه از آزادی کامل برای حفظ و شکوفایی فرهنگ خود برخوردار باشند و از حق تصمیم‌گیری و مشارکت در اداره‌ی امور محلی و منطقه‌ای بهره مند بمانند. تحقق چنین شرایطی برای همبستگی مردم ایران جنبه‌ی حیاتی دارد.

۱. جمهوری اسلامی ایران باید به گونه‌ای اداره شود که تمام ایرانیان بتوانند به زبان مادری خود سخن بگویند، بنویسند و بخوانند و آموزش ببینند و از آزادی کامل برای حفظ و شکوفایی فرهنگ خود برخوردار باشند و از حق تصمیم‌گیری و مشارکت در اداره‌ی امور محلی و منطقه‌ای بهره مند بمانند. تحقق چنین شرایطی برای همبستگی مردم ایران جنبه‌ی حیاتی دارد.

۲. جمهوری اسلامی ایران باید به گونه‌ای اداره شود که تمام ایرانیان بتوانند به زبان مادری خود سخن بگویند، بنویسند و بخوانند و آموزش ببینند و از آزادی کامل برای حفظ و شکوفایی فرهنگ خود برخوردار باشند و از حق تصمیم‌گیری و مشارکت در اداره‌ی امور محلی و منطقه‌ای بهره مند بمانند. تحقق چنین شرایطی برای همبستگی مردم ایران جنبه‌ی حیاتی دارد. [*]

۳. جمهوری اسلامی ایران باید به گونه‌ای اداره شود که تمام ایرانیان بتوانند به زبان مادری خود سخن بگویند، بنویسند و بخوانند و آموزش ببینند و از آزادی کامل برای حفظ و شکوفایی فرهنگ خود برخوردار باشند و از حق تصمیم‌گیری و مشارکت در اداره‌ی امور محلی و منطقه‌ای بهره مند بمانند. تحقق چنین شرایطی برای همبستگی مردم ایران جنبه‌ی حیاتی دارد.

۴. جمهوری اسلامی ایران باید به گونه‌ای اداره شود که تمام ایرانیان بتوانند به زبان مادری خود سخن بگویند، بنویسند و بخوانند و آموزش ببینند و از آزادی کامل برای حفظ و شکوفایی فرهنگ خود برخوردار باشند و از حق تصمیم‌گیری و مشارکت در اداره‌ی امور محلی و منطقه‌ای بهره مند بمانند. تحقق چنین شرایطی برای همبستگی مردم ایران جنبه‌ی حیاتی دارد.

۵. جمهوری اسلامی ایران باید به گونه‌ای اداره شود که تمام ایرانیان بتوانند به زبان مادری خود سخن بگویند، بنویسند و بخوانند و آموزش ببینند و از آزادی کامل برای حفظ و شکوفایی فرهنگ خود برخوردار باشند و از حق تصمیم‌گیری و مشارکت در اداره‌ی امور محلی و منطقه‌ای بهره مند بمانند. تحقق چنین شرایطی برای همبستگی مردم ایران جنبه‌ی حیاتی دارد.

۶. جمهوری اسلامی ایران باید به گونه‌ای اداره شود که تمام ایرانیان بتوانند به زبان مادری خود سخن بگویند، بنویسند و بخوانند و آموزش ببینند و از آزادی کامل برای حفظ و شکوفایی فرهنگ خود برخوردار باشند و از حق تصمیم‌گیری و مشارکت در اداره‌ی امور محلی و منطقه‌ای بهره مند بمانند. تحقق چنین شرایطی برای همبستگی مردم ایران جنبه‌ی حیاتی دارد.

۷. جمهوری اسلامی ایران باید به گونه‌ای اداره شود که تمام ایرانیان بتوانند به زبان مادری خود سخن بگویند، بنویسند و بخوانند و آموزش ببینند و از آزادی کامل برای حفظ و شکوفایی فرهنگ خود برخوردار باشند و از حق تصمیم‌گیری و مشارکت در اداره‌ی امور محلی و منطقه‌ای بهره مند بمانند. تحقق چنین شرایطی برای همبستگی مردم ایران جنبه‌ی حیاتی دارد.

۸. جمهوری اسلامی ایران باید به گونه‌ای اداره شود که تمام ایرانیان بتوانند به زبان مادری خود سخن بگویند، بنویسند و بخوانند و آموزش ببینند و از آزادی کامل برای حفظ و شکوفایی فرهنگ خود برخوردار باشند و از حق تصمیم‌گیری و مشارکت در اداره‌ی امور محلی و منطقه‌ای بهره مند بمانند. تحقق چنین شرایطی برای همبستگی مردم ایران جنبه‌ی حیاتی دارد.

این روش‌ها در صورتی که به‌درستی اجرا شوند، می‌تواند به بهبود عملکرد سیستم‌ها و کاهش هزینه‌ها منجر شود. در ادامه به بررسی این روش‌ها خواهیم پرداخت:

۱. بهینه‌سازی فرآیندها: یکی از روش‌های مهم بهینه‌سازی، بررسی فرآیندهای جاری و شناسایی نقاط ضعف است. با حذف فعالیت‌های غیرضروری و اتوماسیون فرآیندهای تکراری، می‌توان به صرفه‌جویی قابل‌توجهی دست یافت.

۲. آموزش و توسعه نیروی انسانی: سرمایه‌گذاری در آموزش و توسعه نیروی انسانی، می‌تواند به بهبود بهره‌وری و افزایش کیفیت کار منجر شود. کارکنان آموزش‌دیده قادرند با استفاده از ابزارها و تکنیک‌های جدید، کارایی خود را افزایش دهند.

۳. بهینه‌سازی منابع: مدیریت صحیح منابع، از جمله نیروی انسانی، مالی و فیزیکی، می‌تواند به کاهش هزینه‌ها و افزایش سودآوری کمک کند. با برنامه‌ریزی دقیق و تخصیص بهینه منابع، می‌توان به حداکثر استفاده از ظرفیت‌ها دست یافت. (**)

در ادامه به بررسی روش‌های دیگر بهینه‌سازی خواهیم پرداخت. این روش‌ها شامل بهینه‌سازی ساختار سازمانی، بهبود ارتباطات و استفاده از ابزارهای نوین است. با اتخاذ رویکردهای نوین و بهره‌گیری از تجربیات موفق دیگران، می‌توان به دستیابی به اهداف سازمانی با کمترین هزینه و بیشترین بهره‌وری دست یافت. (***)

در طی ماه‌های آینده مسائل مورد افتراق موضوع بحث و گفتگوهای روشنگرانه قرار خواهد گرفت تا حصول به توافقی‌های عموم‌تری را ممکن سازد.

* بهینه‌سازی فرآیندها:

□□□ □□□□ □□□□ □□□□□□□□ □□□□ □□□□□□ □ □□□□□□ □□□□□ □□□□□
·□□□□□ □□□□ □□